

جمعیت انقلابی زنان افغانستان

شعلی برخاسته از خون فرزادها رژیم سفاک ایران را خواهد سوخت!

پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۱۳ می ۲۰۱۰

خون شهیدان و کلمات ماندگار فرزاد و وکیلی، روی سیاه مخبران و مزدبگیران رژیم خونخوار ایران در کشور ما را سیاهتر میسازد. هنوز خون دهها افغان نگونبخت در ایران نخشکیده بود که خبر اعدام پنج فرزند اصیل خلق ایران توسط جمهوری اسلامی جنایتکار به گوش رسید.

به تاریخ ۱۹ ثور فرزاد کمانگر، معلم سلحشور کرد، این صمد بهرنگی روزگارما همراه با چهار هم زنجیرش شیرین علم هولی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان در کشتارگاه اوین به جرم آزادیخواهی اما با اتهامات سخیف و ساختگی اعدام شدند. از این مبارزان خواسته شده بود که برای نجات از مرگ به درگاه خامنه‌ای توبه نامه‌ای بنویسند. اما این فرزندان راستین و پرافتخار ایران، بی هیچ تردیدی مرگ را بر خواری تسلیم در برابر سرجلاد ترجیح دادند.

رژیم دراکولایی که در اثر مقاومت دلیرانه‌ی مردم سراسر ایران سراسیمه شده است، تصور میکند با ترور نویسندگان و شاعران و فرهنگیان و سیاستمداران آزادیخواه و اعدام هرچه بیشتر مبارزان، خواهد توانست جو وحشت و خفقان را تشدید کرده و بالنتیجه مردم را ناامید و مرعوب سازد. اما این شیوه‌های هیتلری نتوانسته جلو خیزشهای مردم و ایستادگی حماسی زندانیان سیاسی را بگیرد و همین واقعیت، ولایت فقیه محض را دیوانه تر و آن را به پرتگاه نیستی نزدیکتر کرده است.

رژیم، طبق معمول هر حاکمیت ارتجاعی درمانده و دروغگو، فرزاد و دیگران را "بمب گذار" نامید. ولی بنا بر گفته‌های نغز و رسا، این اتهام درست است؛ فرزاد با مرگ حماسی‌اش بمبی در قلب رژیم کار گذاشته که به زودی آنرا منفجر خواهد ساخت.

فرهاد وکیلی در یکی از آخرین نامه‌هایش نوشت: «توقع این بود که من با امضای برگه عفو به هرآنچه داشتم پشت پا بزنم. از من میخواستند انسانی باشم عاری از هرگونه اراده و مقاومت اخلاقی و

هویت اجتماعی و تاریخی... به زورگویان و مستبدان اعلام کردم که این هدف شما به غایت دست نیافتنی است.»

فرزاد در نامه‌ای از زندان عنوانی شاگردانش مینویسد: «مگر می‌توان بار سنگین مسئولیت معلم بودن و بذر آگاهی پاشیدن را بر دوش داشت و دم برنیاورد؟ مگر می‌توان بغض فروخورده دانش‌آموزان و چهره‌ی نحیف آنان را دید و دم نزد؟ مگر می‌توان در قحط سال عدل و داد معلم بود، اما "الف" و "بای" امید و برابری را تدریس نکرد، حتی اگر راه ختم به اوین و مرگ شود؟»

مادر قهرمان فرزاد کمانگر
مادر قهرمان فرزاد کمانگر: «فرزاد من نمرده، تازه فرزاد زنده شد، همه دانش‌آموزان فرزاد، فرزاد هستند، از امروز من تازه کارم شروع شد.»

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» به نوبه خود به وجود شیرین علم هولی بین قهرمانان جانباخته و نیز به مادر فرزاد می‌بالد که پس از انتشار خبر اعدام پسرش گفت: «فرزاد من تازه زنده شد، همه دانش‌آموزان فرزاد، فرزاد هستند.»

مهدیه گلرو در جایی از نامه‌ای از زندان به یاد همبندش شیرین هولی می‌نویسد: «اشتیاق شیرین به زندگی و پیشرفت و تلاش او در مطالعه شبیه کسی بود که تنها چند روز از بازداشتش گذشته و بزودی هم آزاد خواهد شد؟! ... وقتی سراسیمه شیرین را بدون خداحافظی از ما جدا کردند، گویی طناب دار او را فریاد می‌زد و امید داشت کورسویی از ترس در چشمان همچون عقابش ببیند اما نیک می‌دانم که شجاعت شیرین تاریکی نیمه شب اوین و سختی طناب دار را به سخره گرفته بود.»

خون شهیدان و کلمات ماندگار فرزاد و وکیلی، روی سیاه رهنورد زریاب، منیژه باختری، کاظم کاظمی، حمیرا نگهت سعیدی، لطیف پدram، پرتو نادری، مهسا طایع، سمیع حامد، جاوید فرهاد، ابوطالب مظفری، خالده فروغ و سایر مخبران و مزدبگیران رژیم خونخوار ایران در کشور ما را سیاهتر می‌سازد که همه جنایتها و خیانتها و تیره روزی‌ها را در ایران و وطن ما یا بو وار می‌بینند اما دم برنیاورده و با مدیحه‌سرایی برای سرجنایت سالاران ایران و ادامه خدمت در باند‌های مافیایی و دولت پوشالی کرزی وجدان و شرف‌شانرا ارزان به "سی‌ای‌ای"، "واواک" و "آی اس‌آی" می‌فروشند و آنقدر وقیح و بدذات اند که زیر نام "کارفرهنگی و غنای زبان فارسی" علنا به پشتیبانی از

رژیم تبهکار ایران در کشور ما زبان گشوده و حتی مراسم بزرگداشت و سالگرد تولد شان در لانه جاسوسی ایران در کابل برگزار و مدالهای بندگی و خیانت به گردن شان آویخته میشود. اینان همه سر و ته یک کرباس اند چون هیچ یک برضد فرومایگی و سازشکاری خاینانه‌ی هیچکدام کلمه‌ای بر زبان نمیرانند.

در حالیکه افغانستان ما در اشغال چهل کشور جهان به سردمداری امریکا قرار دارد که هر لحظه علیه مردم ما جنایت می‌آفرینند؛ در حالیکه مردم ما توحش طالبان این غلامان خانه زاد و زنجیری پاکستان و تبهکاریها و بیناموسیهای "جبهه ملی" و "ائتلاف شمال" و مبدل شدن افغانستان به مرکز بازی های شیطانی غرب و ایران و پاکستان عذاب میکشیم، خاموشی جهان به اصطلاح متمدن و سازمانهای حقوق بشری در برابر قتل های دستجمعی صحرائی مبارزان ایران به دست دژخیمان ولایت فقیه، برای ما دردی مضاعف سهمگین است.

«جمعیت انقلابی زنان افغانستان» با جنبش آزادیخواهانه در ایران اظهار همبستگی نموده به خون ارجمند گروه فرزاد کمانگر و سایر جانبختگان ایران سوگند میخورد که تا آخرین نفس برای نابودی هم کیشان افغانی ولایت فقیه خون و خیانت از پیکار باز نخواهد نشست و چاکران رژیم ایران از نوع محقق، خلیلی، عبدالله، فاضل سانچارکی، محسنی، انوری، سرور دانش، اسماعیل، عالمی بلخی، آمنه افضلی، ضیا رفعت، سیدعلی جاوید و غیره خاینان را اجازه نخواهد داد که ویروس جمهوری اسلامی را با خاطر آرام در خاک ما بپاشند.

ما اعتقاد راسخ داریم که از خون تک تک مبارزان جانبخته ایران، سرانجام جنبش عظیم خلق ایران شعله ورتتر گردیده تومار رژیم ددمنش را یکبار و برای همیشه برچیده و سران به اصطلاح تندرو و سست رو آنرا به سزای اعمال شان خواهد رسانید.

شهادت فرزاد و همراهانش نیروبخش کلیه مبارزان راه آزادی است!
توفنده باد جنبش دموکراسی خواهانه و رژیم برانداز در ایران!
نفرین و مرگ بر رژیم سفاک خامنه‌ای/ احمدی نژاد!
زننده باد همبستگی نیروهای آزادیخواه ایران و افغانستان!
جمعیت انقلابی زنان افغانستان (راوا)

۲۲ ثور ۱۳۸۹ - ۱۲ می ۲۰۱۰

(<http://pz.rawa.org/68/68farzad.htm>)